

مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه، تنظیم شناختی هیجان و هوش هیجانی در کودکان کار و کودکان عادی

نسیم دامغانیان^۱ - فائزه جهان^۲

چکیده:

زمینه و هدف: پدیده کودکان کار که از آن به عنوان مشکل شهری یاد می شود، معضلی است که کلان شهرها و شهرهای نسبتاً بزرگ جوامع معاصر اعم از پیشرفته یا در حال توسعه با آن دست به گریبانند و بررسی متغیرهای مرتبط با این نوع کودکان در مقایسه با کودکان عادی دارای اهمیت است. پژوهش حاضر به مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه، تنظیم شناختی هیجان و هوش هیجانی در کودکان کار و کودکان عادی پرداخته است.

روش: بدین منظور تعداد ۱۰۰ کودک (شامل ۵۰ کودک کار و ۵۰ کودک عادی) ۹ تا ۱۱ سال، به روش نمونه گیری در دسترس از کودکان کار و عادی شهرستان سمنان انتخاب شدند و سه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گرانفسکی و پرسشنامه هوش هیجانی شرینگ در بین آنها توزیع گردید.

یافته ها: نتایج مربوط به تحلیل واریانس چندمتغیری طرحواره های ناسازگار اولیه بین گروه کودکان عادی و کار در متغیرهای محرومیت؛ بدرفتاری؛ طرد؛ بیگانگی؛ شکست؛ گرفتار؛ آسیب پذیری؛ وابستگی؛ استحقاق؛ اطاعت؛ انتقادی؛ هیجانی و متغیر فداکاری تفاوت وجود داشت که این مقدار تفاوت از نظر آماری با ۹۵ درصد اطمینان معنادار می باشد؛ همچنین در دو گروه بین متغیرهای نقص و خودکنترلی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: نتایج مربوط به تحلیل واریانس چندمتغیری تنظیم شناختی هیجان نشان داد بین گروه کودکان عادی و کار در متغیرهای خودسرزنشگری؛ پذیرش؛ نشخوارگری؛ تمرکز مجدد مثبت؛ ارزیابی مجدد مثبت؛ فاجعه نمایی و متغیر دیگر سرزنشگری تفاوت وجود داشت که این مقدار تفاوت از نظر آماری با ۹۵ درصد اطمینان معنادار می باشد؛ همچنین در دو گروه بین متغیرهای برنامه ریزی و کم اهمیت شماری تفاوت معناداری مشاهده نشد. و بین گروه کودکان عادی و کودکان کار در متغیر هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود داشت.

کلمات کلیدی: طرحواره های ناسازگار اولیه، تنظیم شناختی هیجان، هوش هیجانی، کودکان کار.

مقدمه

پدیده کودکان کار که از آن به عنوان تراژدی شهری یاد می شود، معضلی است که کلان شهرها و شهرهای نسبتاً بزرگ جوامع معاصر اعم از پیشرفته یا در حال توسعه با آن دست به گریبانند. بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای روانی و اجتماعی آنها از اهمیت روزافزونی برخوردار است. از این رو امروزه مشکل کودکان کار که امروزه به صورت یک مساله یا پدیده اجتماعی در بیشتر شهرهای پرجمعیت نمایان شده است معلول عوامل متعددی است که این عوامل نتیجه بی توجهی یا کم کاری کلیه اقشار جامعه است و بررسی های جامعه شناسانه و روانشناسانه را می طلبد (آباقری، ۱۳۹۶). کودکان بخش مهمی از جمعیت یک جامعه به شمار می آیند، بنابراین، چگونگی شکل گیری بنیادین آن ها در کودکی، به جامعه پذیری و فرهنگ پذیری آن ها در ساختار جامعه و آینده آن بسیار مؤثر است. عوامل بسیاری از جمله تنگ دستی، بی سوادگی، بدی تغذیه، در سرنوشت کودکان جامعه نقش دارند که شدت و ضعف این عوامل از جامعه ای به جامعه ای دیگر متفاوت است (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۵). در کشور ما نیز کودکان به دلایل مختلف (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) با آسیب ها و مشکلات متعددی روبه رو هستند. کودکان کار و خیابان از جمله کودکان در

۱. کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی سمنان

۲. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان